

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و سوم، تابستان ۱۴۰۳: ۱-۳۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل دیباچه‌های «کلیله و دمنه» بر اساس نظام وجهیت

بتول واعظ*

الهه معتمد**

چکیده

کلیله و دمنه، یکی از امهات متون تعلیمی کهن ادب فارسی است که بخش اعظم آن را باید و نبایدهای اخلاقی در حوزه اخلاق، سیاست، دین و فرهنگ تشکیل می‌دهد. این باید و نبایدها که ماهیتی آمرانه دارد، می‌تواند موجب لحنی صریح و ملال‌آور در کلام شود و عمل اقناع را در امر تعلیم به تأخیر بیندازد. در این پژوهش با استفاده از مبحث وجه‌نمایی و وجهیت، سه مقدمه آغاز این کتاب (دیباچه مترجم، مقدمه ابن مقفع و مقدمه برزویه طبیب) را از منظر وجهیت و چگونگی بازنمایی دیدگاه نویسنده در ساحت زبان بررسی‌دیم. برای این منظور از سه دیباچه، پانصد جمله را برگزیدیم و در قالب هفت مؤلفه نهاد، وجه بند، نقش گفتاری بند، وجه‌نمایی، ابزار وجهی، منبع قضاوت (جهت‌گیری وجه‌نمایی) و شگردهای غیر مستقیم‌گویی گفتار، به تجزیه و تقطیع بندها پرداختیم. پرسش اصلی ما در این پژوهش این بود که وجهیت، چگونه در تبیین رابطه زبان و ایدئولوژی نقش دارد و کدام یک از ابزار وجه‌نمایی، بسامد بیشتری در این متن دارد؟ یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های آماری نشان داد که منشی با استفاده از سازوکارهای زبانی متفاوت چون استعاره دستوری، کاربرد ابژه به جای سوژه، ساختار جمله مرکب، تمثیل، بینامتنیت قرآنی و تاریخی و... از شدت صراحت اجبار و الزام کاسته و در جهت اقناع‌سازی، مخاطب را با خود همراه ساخته است.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران batoolvaez@atu.ac.ir

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران elahemotamed1362@gmail.com



بسامد بالای وجه بند اخباری و درصد پایین وجوه پرسشی و امری، نشان از قاطعیت کلام و دیدگاه نویسنده و همسویی این سبک زبانی با ژانر تعلیمی خطاب داشت. پرسامدترین ابزار وجهی در این پیکره، به ترتیب وجه فعل اخباری، فعل وجهی و افزوده‌های وجهی بود که با گفتمان خطابی متن که در پی گواه‌نمایی و اقناع بیشتر مخاطب است، تناسب و همسویی دارد.

واژه‌های کلیدی: وجهیت، کلیله و دمنه، نقش‌های گفتاری، ابزار وجهی، دیدگاه نویسنده.



مقدمه

زبان، رسانه‌ای تعاملی و بینافردی است که در بازنمایی ایدئولوژی، دیدگاه، باور و جهت‌گیری ارزشی یک متن، نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد. به عبارتی دیگر، زبان در حکم ظرفی است که به مظهر خود، جهتی خاص می‌دهد و از این نظر، محدودکننده و نظام‌مند است. فاولر، زبان را بسیار مقیدکننده می‌داند که اجازه نمی‌دهد متنی خنثی و به دور از جهت‌گیری و داوری ارزشی باشد (Fowler, 2011:106-107). ما نمی‌توانیم چیزی بگوییم بدون آنکه نگرشی نسبت به آن داشته باشیم. واژه‌ها و جمله‌هایی که برمی‌گزینیم، معانی پنهانی را منتقل می‌کند که بخش عمده آن از اختیار ما خارج است. ساختار جمله ما ممکن است افشاکننده نوعی داوری ارزشی باشد که خود از آن بی‌خبریم (احمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۲۸).

نظام باورشناختی و ایدئولوژیک گوینده در ساخت‌های مختلفی از زبان متن، امکان ظهور و بروز می‌یابد. نظام‌های آوایی، صرفی، نحوی و گفتمانی، هر کدام بستری مناسب برای بازنمایی دیدگاه‌ها و نگرش‌های پنهان در متن هستند. از میان این نظام‌ها، ساخت‌های نحوی، قابلیت و ظرفیت بیشتری برای پروراندن جنبه ایدئولوژیک متن دارند. «ایدئولوژی، بیشتر خود را در روابط نحوی یک متن نشان می‌دهد و نویسنده بر اساس آن، نوع ویژه‌ای از الگوهای دستوری را برمی‌گزیند» (همان: ۳۲۹).

جمله، کوچک‌ترین واحد گفتمان‌مدار در متن به شمار می‌رود. از این‌رو هر نوع آرایش واژگانی و تمهیدات نحوی در جمله اعم از حذف، تقدیم و تأخیر اجزای جمله، ساخت مجهول، وجه و زمان دستوری فعل و... ابزاری برای نمایش و برجسته‌سازی جایگاه‌های ایدئولوژیک متن هستند. یکی از ساخت‌های نحوی که نقش مهمی در بازتاب نگرش و دیدگاه گوینده در متن دارد، مقوله وجه فعل و وجهیت در جمله است. وجهیت عبارت است از دیدگاه و بینش گوینده درباره آنچه اظهار می‌کند و بر زبان می‌آورد. پالمر، وجهیت را مقوله‌ای معنایی می‌داند که در حوزه معناشناسی مطرح است (Palmer, 1986: 104). بنابراین از طریق تحلیل موضع و چگونگی وجهیت گزاره‌ها در یک متن، می‌توانیم به چگونگی دیدگاه و منظر ایدئولوژیک گوینده پی ببریم. بازنمایی وجهیت از طریق ساخت‌ها و ابزار مختلفی در کلام صورت می‌گیرد. هر کدام از

پژوهشگران، به ابزار و عملگرهای صرفی و نحوی مختلفی برای نشان دادن وجهیت در زبان متن اشاره کرده و آن را محدود به فعل ندانسته‌اند. مقوله‌های دستوری دیگری چون اسم‌ها، صفت‌ها، قیده‌ها، زمان دستوری و ساحت‌های معنایی و گفتمانی دیگری چون بافت زبانی، موقعیتی و فرهنگی متن، بینامتنیت‌ها، روایت و... نیز می‌توانند مفاهیم وجهی داشته باشند.

یکی از متن‌هایی که از نظر ارتباط زبان با ایدئولوژی و قدرت بسیار برجسته است، کلیله و دمنه است. نگرش و دیدگاه گوینده (نصراالله منشی) در این کتاب در قالب دو فرم روایت (بیان غیر مستقیم دیدگاه) و گزاره (بیان مستقیم دیدگاه) بیان شده است. تحلیل رابطه میان زبان و قدرت در این متن از طریق نظام وجهیت، ابعاد تازه‌ای از گفتمان این کتاب را باز می‌نماید. اینکه چگونه نصراالله منشی از طریق روایت و دیگر ابزار وجهی توانسته است دیدگاه‌های خود را بدون اعمال اجبار و شدت امر و نهی و به صورت غیر مستقیم در متن بازنمایی کند و با استفاده از منابع حکمی متفاوت، قضاوت‌ها و داوری‌های خود را در ارتباط با سیاست، مذهب، اخلاق، قدرت و... با درصد اعتبار بالایی که مخاطب را اقناع می‌کند، بیان نماید و اعتبار ببخشد؟

هرچند در سرتاسر کلیله و دمنه به‌مثابه ژانری تعلیمی، دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف نویسنده به صورت آشکار و پنهان، قابل بازیابی است، دیباچه‌های این کتاب، زمینه بهتری برای در برگرفتن نگرش‌ها، بینش‌ها و باورهای گوینده و متن هستند؛ زیرا در هر کدام از این دیباچه‌ها، گوینده در نقش یک خطیب ظاهر می‌شود که گزاره‌هایی مسلم و به‌زعم خود تردیدناپذیر را بیان می‌کند و با شگردهای بلاغی مختلفی، به اقناع مخاطب می‌پردازد. هرچند نقش گفتاری غالب جمله‌ها این دیباچه‌ها، خبردهی است، گوینده با استفاده از ابزار وجهی مختلف، در ورای این نقش خبردهی، نقش‌های گفتاری دیگری را فعال می‌کند. کشف نقش‌های گفتاری دیگر این گزاره‌ها و معانی ثانویه آنها از طریق تحلیل نظام وجهی جمله‌ها امکان‌پذیر است. از این‌رو در این پژوهش قصد داریم تا با استفاده از تحلیل نظام وجه و وجهیت، چگونگی تبلور زبانی و کلامی ایدئولوژی را در دیباچه‌های کلیله و دمنه (دیباچه نصراالله منشی، ابن مقفع و برزویه طبیب) گفتمان‌کاوی کنیم.

پرسش و مسئله اصلی ما در این پژوهش این است که: نگرش و دیدگاه نویسنده در متن

این دیباچه‌ها، چگونه از طریق وجهیت گزاره‌ها قابل بازیابی است و کدام یک از مقوله‌های دستوری، زبانی و معناشناختی در بازنمایی وجهیت متن، نقش بیشتری داشته‌اند؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه وجهیت و وجه‌نمایی در قالب مقالات و پایان‌نامه‌ها انجام گرفته، در دو طبقه قابل دسته‌بندی است: دسته نخست شامل پژوهش‌های نظری و بنیادی در زمینه وجهیت است که به تعریف این مقوله و چگونگی بازنمایی آن در زبان فارسی پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به قرار زیر است.

رحیمیان و عموزاده (۱۳۹۲) در مقاله «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت»، افعال وجهی فارسی را از دو جنبه «درجه» و «نوع» بر اساس چارچوب پالمر بررسی کرده و نشان داده‌اند که سه فعل وجهی «بایستن»، «شدن» و «توانستن» برای بیان درجات و انواع وجهی پیشنهادی پالمر ظاهراً کفایت می‌کند، اما بافت موقعیتی و ابعاد کاربردشناختی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ابهام‌زدایی معانی هر یک از افعال یادشده ایفا می‌کند.

کریمی دوستان و ایلخانی‌پور (۱۳۹۱) در مقاله «نظام وجهیت در زبان فارسی»، وجهیت را پدیده‌ای زبانی انگاشته‌اند که می‌تواند در سطح جمله، سازه‌های کوچک‌تر از جمله یا در سطح گفتمان بیان شود.

میرزایی (۱۴۰۰) در مقاله «رابطه قطبیت و وجهیت‌بندی در زبان فارسی» بر اساس نظریه پالمر، به تبیین چهار نوع وجهیت برداشتی، گواه‌نمایی، درخواستی و پویا در زبان فارسی پرداخته است.

ایلخانی‌پور و کریمی دوستان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «واژگانی‌شدگی ابعاد معنایی وجهیت در صفات وجهی فارسی»، سه بعد معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب را در صفات فارسی بررسی کرده و نشان داده‌اند که در زبان فارسی، سه نیروی وجه الزام، امکان و امکان قوی، واژگانی شده‌اند و نیروهای وجه الزام ضعیف، امکان ضعیف و امکان قوی‌تر در این صفات، واژگانی نشده‌اند.

آقاگل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه

فضاهای ذهنی»، دسته‌بندی جدیدی از وجوه فعل در زبان فارسی ارائه داده‌اند. این دسته‌بندی بر اساس معنای مرکزی احتمال وقوع صورت گرفته و بر مبنای آن، کاربردهای مختلف وجوه فعل در جمله‌های ساده و مرکب توجیه شده است.

دسته دوم، به پژوهش‌هایی مربوط می‌شود که وجهیت یک متن ادبی را به منظور دستیابی به دیدگاه و نگرش نویسنده آن، بررسی و تحلیل کرده‌اند. به شماری از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم.

تمیم‌داری و صدری (۱۳۹۳) در مقاله «مطالعه سبک‌شناختی وجه‌نمایی در گلستان سعدی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند» به توصیف وجه‌نمایی از دیدگاه هلیدی پرداخته و پس از آن، نمونه‌هایی از تجزیه و تحلیل سبک‌شناختی که در چند متن گزینش‌شده از گلستان بر اساس متغیر وجه‌نمایی صورت گرفته است، به همراه نمودار آمار داده‌ها ارائه کرده و در پایان، نتایج و یافته‌های تحقیق را بیان نموده‌اند.

احمدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی مقوله وجهیت در رمان شوهر عزیز من اثر فریبا کلهر بر اساس دیدگاه فاوئر»، به بیان رابطه وجهیت و سبک زنانه پرداخته و نشان داده‌اند که وجهیت در این رمان، بیشتر بیانگر مفهوم تردید و نبود اطمینان است که از جمله ویژگی‌های سبک زنانه به شمار می‌رود.

گودرزی و موسوی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بلاغت وجهیت در شعر مدحی دربار غزنوی»، تأثیر مؤلفه‌هایی چون شخص شاعر، شخص ممدوح و مقام او را بر کاربرد وجهیت در اشعار مدحی دربار غزنوی بررسی کرده‌اند.

کاظمی‌پور نوایی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تحول وجه‌نمایی قهرمان رمان طوبی و معنای شب از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی»، به بررسی روابط قدرت در رمان «طوبی و معنای شب» با تأکید بر مسئله جنسیت و بازنمایی جنسیت پرداخته و نشان داده‌اند که قهرمان این رمان، سیری قهقرایی را از یقین به تردید طی می‌کند.

با بررسی‌های انجام شده، روشن شد که تاکنون پژوهشی در زمینه وجهیت و وجه‌نمایی در کلیله و دمنه صورت نگرفته است.

مفاهیم نظری

وجه و وجهیت^۱

رویکرد دستوریان و زبان‌شناسان نسبت به دو مقوله وجه و وجهیت، متفاوت است. در تلقی دستوریان، وجه، مقوله‌ای صوری-زبانی است که تنها در وجه فعل نمود می‌یابد (Palmer, 1986: 2) و نگرش گوینده را تنها در فعل بازتاب می‌دهد؛ در حالی که در رویکرد زبان‌شناختی، آنچه مطرح است، وجهیت و وجه‌نمایی است، نه وجه. وجهیت، مقوله‌ای معناشناختی (Palmer, 2001: 104) است که بر نگرش گوینده درباره میزان درستی، اعتبار و قاطعیت او در بیان یک گزاره حکم می‌کند. «اگر وجهیت را نگرش سخنگو درباره حقیقت و درستی یک پاره‌گفتار و میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره بدانیم که نوع روابط میان افراد و مناسبات اجتماعی را مشخص می‌کند و مشخصه جمله محسوب می‌شود، وجه فعل، آن دسته از ابزار دستوری است که نگرش گوینده را در فعل بروز می‌دهد» (فروزنده و بنی‌طالب، ۱۳۹۳: ۱). پس وجه فعل، یکی از ابزار تظاهر و نمود زبانی وجهیت در جمله یا کلام است.

امروزه وجهیت در حوزه‌های متعدد به‌ویژه زبان‌شناسی و فلسفه مورد توجه است. این مبحث در کانون مطالعات معناشناختی قرار دارد. در زبان‌شناسی می‌توان آن را به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱- اطلاعاتی است معنایی در باب نگرش گوینده به کلام ۲- چیزی است و رای گزاره‌های درون گفته ۳- وسیله‌ای است برای تمایز صدق از کذب. مبنای مشترک میان تمامی زبان‌شناسان در این باب، این است که وجهیت ناظر بر عدم قطعیت گزاره‌های پیش رو است (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲: ۲).

وجه‌نمایی فاقد تعریف یکسان است. پالمر، علت این امر را وجود ابهام و پراکندگی در معناشناسی پدیده وجه‌نمایی می‌داند. وجه‌نمایی در یک تعریف کلی، بیان نظر گوینده است درباره وقوع یک رخداد در جهان. این جهان می‌تواند جهان خارج، جهان بیرونی و واقعی باشد یا جهان غیر خارج، ذهنی و تخیلی. مفهوم مشترک و مرکزی تمام امکان‌ها، رخ دادن اتفاق است که آن را رخداد می‌نامیم. وجه‌نمایی، بیان نظر گوینده در مورد رخداد است (برآورده و گوهری، ۱۴۰۱: ۱۱۹). هلیدی، وجهیت را در ارتباط با

نقش‌های گفتاری^۱ مطرح می‌کند. بر این اساس پیش از پرداختن به تعریف وجه‌نمایی، ابتدا به توصیف نقش‌های گفتاری در ساحت بینافردی پرداخته است (Halliday & Matthiessen, 2004: 26).

اصلی‌ترین نقش‌های گفتاری که در ژرف‌ساخت همه نقش‌های گفتاری دیگر قرار دارد، عبارت است از دادن و خواستن. پس می‌توان ارتباط زبانی را یک تعامل و تبادل نامید. شیء مورد مبادله در این تبادل، یا اطلاعات است یا کالا و خدمات. اگر این شیء، اطلاعات باشد، نقش دادن از طریق خبر و نقش خواستن با پرسش محقق می‌شود. اگر شیء مورد مبادله، کالا و خدمات باشد، نقش دادن در قالب پیشنهاد و نقش خواستن در قالب درخواست تحقق می‌پذیرد. بر این اساس چهار نقش گفتاری اصلی خواهیم داشت: خبردهی، پرسش‌گری، پیشنهاد و درخواست (تمیم‌داری و صدی، ۱۳۹۳: ۱۴۵-۱۴۶).

هلیدی هر ساختاری را در سطح بند که به‌طور ویژه برای بیان و تبلور دستوری یکی از نقش‌های گفتاری اصلی اختصاص یافته، وجه نامیده است (همان: ۱۴۶). طبق نظر وی، نقش گفتاری بند، سهم زیادی در گزینش نوع و مفهوم وجهی احتمال و تداول با بندهای متضمن تبادل اطلاعات یا نقش‌های گفتاری خبردهی و پرسش‌گری دارد و مفاهیم وجهی لزوم و اجبار با نقش‌های گفتاری پیشنهاد و درخواست پیوند دارد (Halliday & Matthiessen, 2004: 618). پس هلیدی قائل به چهار مفهوم وجهی اصلی است: احتمال، تداول، تمایل و اجبار. بر این اساس وجه‌نمایی را درجات میان دو قطب مثبت و منفی می‌داند. از نظر وی، آنچه نظام وجهیت انجام می‌دهد، ترسیم کردن مناطق عدم قطعیت میان دو قطب مثبت و منفی است (Halliday & Matthiessen, 2004: 147).

فتوحی، وجه فعل را تلقی گوینده از محتوای گزاره بیان می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۸۶-۳۸۷). این تلقی با فعل‌های کمکی و جنبه وجهی فعل بیان می‌شود. در ادامه افعال وجهی را از لحاظ میزان قطعیت در دو گروه کلی رده‌بندی می‌کند: الف) آن دسته از افعال وجهی که وقوع فعل را با درجاتی از قطعیت بیان می‌کند. ب) آن دسته از افعال وجهی که بیانگر اجبار شنونده یا آزادی عمل وی هستند.

پالمر برای مفاهیم وجهی و تقسیم‌بندی آنها، عناوین دیگری به کار برده است. او از

یک منظر، وجهیت را به دو نوع عینی^۱ و ذهنی^۲ تقسیم کرده است (Palmer, 1986: 16). وجهیت عینی درباره گزاره‌ای است که در جهان خارج اتفاق افتاده است و وجهیت ذهنی به رخدادی اطلاق می‌شود که هنوز محقق نشده است و در یک جهان ذهنی امکان وقوع دارد. برای مثال در جمله «دیروز باران بارید»، رخداد «باران باریدن» در زمان گذشته روی داده است. اما در جمله «اگر فردا باران ببارد»، رخداد باران باریدن، واقعیتی بیرونی نیست، بلکه حادثه‌ای است که شرط وقوع آن در جهانی ذهنی تصور شده است. تقسیم‌بندی دیگر او از وجهیت بر اساس همین نگرش صورت گرفته است. پالمر، وجهیت را به دو نوع کلی گزاره‌ای و رخدادی تقسیم می‌کند. وجه‌نمایی گزاره‌ای، به دو نوع معرفتی و گواه‌نمایی و وجه‌نمایی رخدادی به دو نوع تکلیفی و پویایی تقسیم می‌شود (برآورده و گوهری، ۱۴۰۱: ۱۱۹).

وجهیت معرفتی^۳ در بردارنده نظر و درجه تعهد گوینده بر اساس اطلاع و دانش و شواهد موجود نسبت به محتوای جمله است (لاینز، ۱۳۹۱: ۴۶۵؛ Palmer, 1986: 18-20). وجهیت تکلیفی^۴ «بیانگر مفاهیمی چون الزام، اجازه و فرمان است» (Palmer, 1986: 18-20). در این نوع، گوینده تعهدی به صدق یا کذب گزاره ندارد، ولی ضرورت انجام عملی را بیان می‌کند (لاینز، ۱۳۹۱: ۳۷). وجهیت پویا^۵ نیز بیان‌کننده توانایی، تمایل و خواستن است (Palmer, 1986: 18-20).

ابزار وجهی^۶

تظاهر زبانی وجه‌نمایی در زبان از طریق ابزار و عناصر مختلفی صورت می‌گیرد. مطابق با دیدگاه پژوهشگران، بازنمایی وجهیت در زبان فارسی تنها به فعل‌های وجهی، قیده‌های وجهی و زمان دستوری محدود نمی‌شود، بلکه اسم‌ها و صفت‌ها نیز می‌توانند در بردارنده مفاهیم وجهی باشند. به این ترتیب مهم‌ترین عناصر وجه‌ساز در زبان فارسی عبارتند از: اسم‌های وجهی (احتمال)، صفت‌های وجهی (احتمالی)، فعل‌های وجهی

1. Objective Modality
2. Subjective Modality
3. Epistemic Modality
4. Obligatory Modality
5. Deontic Modality
6. Modal Device

(احتمال داشتن)، قیده‌های وجهی (احتمالاً) و زمان دستوری (کاربرد آینده‌محور زمان گذشته ساده) (Ilkhanipur, 2015: 44-47 به نقل از: احمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۳۳). هلیدی به چهار نوع ابزار وجهی اشاره کرده است که عبارتند از: افزوده وجه‌نما، استعاره دستوری، افعال کمکی وجهی، وجه فعل.

افزوده‌های وجهی^۱، از عناصر ساختمانی بند هستند که نهاد واقع نمی‌شوند (Halliday & Matthiessen, 2004: 123). در رویکرد نقش‌گرا برای هر یک از لایه‌های معنایی، نوع خاصی از افزوده‌ها متناسب با لایه معنایی در نظر گرفته شده است. در فرانقش بینافردی، نقش افزوده‌ها، بیان مفاهیم اظهاری و مفاهیم وجهی احتمال و تداول است. افزوده‌های مفید میزان تداول مانند همواره، اغلب، معمولاً، هرگز، بارها، به‌هیچ‌وجه، گاه‌به‌گاه و... و افزوده‌های مفید احتمال، مواردی چون: احتمالاً، شاید، یقیناً، قطعاً، حتماً، لابد، هرآینه، مسلماً، ظاهراً و... است (تمیم‌داری و صدری، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

استعاره دستوری^۲، یعنی یک واحد معنایی از طریق ساختار یا واحد دستوری دیگری که در زبان برای آن وضع و مقرر نشده است، بیان گردد. در چهار مورد از حوزه مفاهیم وجهی، استعاره دستوری بینافردی رخ می‌دهد؛ یعنی بند متضمن مفهوم وجهی، به جای یک افزوده وجه‌نما به کار می‌رود و یا در ساختار یا وجه نامتناظر با نقش گفتاری خود ظاهر می‌شود:

۱. مفاهیم وجهی احتمال و تداول در بند پایه بندهای مرکب به افزوده وجه‌نما تأویل می‌شوند: مانند گمان می‌کنم.

۲. بند پایه بندهای مرکب که بر اجبار و تمایل دلالت می‌کنند، از نظر ساختاری در وجه اخباری هستند، اما اغلب بر نقش گفتاری پیشنهاد یا درخواست دلالت می‌کنند. مانند: مجبوری که، خوشحال می‌شوم که... در این دو مورد، زمان فعل حال است. اگر فعل بند، رابطه‌ای باشد، مفهوم وجهی در مسند مندرج است و اگر غیر رابطه‌ای باشد، بر یکی از مفاهیم وجهی دلالت دارد و فعل واژگانی وجهی نام دارد. مانند دوست دارم، تمایل داری...

۳. بند پایه بندهای مرکبی که بر نقش گفتاری کل بند مرکب تصریح دارند. مانند:

من از شما می‌خواهم که، ممکن است از شما بپرسم که... ساختار بندها وجه اخباری است.

۴. بندهای بسیط خبری یا پرسشی که حاوی اجبار یا تمایل باشند. برای مثال بند پرسشی در معنای درخواست یا کسب اجازه مانند: «می‌توانم این کتاب را از شما امانت بگیرم؟» (تمیم‌داری و صدری، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

نکته مهمی که هلیدی دربارهٔ افزودهای وجهی بیانگر ارزش و درجهٔ بالای احتمال/ قطعیت مطرح می‌کند، این است که قیده‌های وجهی چون قطعاً، مطمئناً، یقیناً و... وقتی در جمله‌ای به کار می‌روند، تعیین‌کنندگی و قطعیت کمتری نسبت به صورت و شکل واقعی آن جمله دارند. برای مثال در دو جملهٔ زیر:

1. that,s certainly John.

2. that,s John.

جملهٔ اول، قطعیت کمتری نسبت به جملهٔ دوم دارد. به عبارت دیگر، شما فقط زمانی می‌گویید مطمئن هستید که مطمئن نیستید (Halliday & Matthiessen, 2004: 147).

افعال وجهی^۱، ابزار دستوری دیگر در بازنمایی مفهوم وجهیت هستند. مشکوه‌الدینی فعل‌هایی چون باید، توان و شدن را وجهی می‌نامد (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹: ۷۴). در زبان فارسی، فعل‌هایی چون «بایستن، توانستن و شدن»، جزء افعال وجهی پربسامد هستند که هر کدام بیان‌کنندهٔ مفاهیم وجهی مختلفی نظیر احتمال با درجهٔ قوی، احتمال با درجهٔ ضعیف، امکان‌پذیر بودن، قابلیت، کسب اجازه، لزوم و اجبار و... هستند.

«باید» که می‌توان گفت رایج‌ترین و عمده‌ترین عنصر وجهی در زبان فارسی است، با یک شکل ثابت قابل استفاده با تمام اشخاص و اعداد دستوری است و دارای ویژگی‌های معنایی خاصی است (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲: ۳۰). مفاهیم وجهی «باید» شامل مفاهیمی چون اجبار و الزام، ضرورت و احتمال قوی است.

(الف) باید از اینجا خارج شوید (مفهوم وجهی اجبار و الزام).

(ب) باید تا الان رسیده باشد (مفهوم وجهی احتمال قوی).

(ج) باید از اینجا رفت (مفهوم وجهی ضرورت).

فعل وجهی «شدن»، تنها به شکل سوم شخص مفرد به کار می‌رود. حوزه کاربردی این فعل به طور اساسی ویژه تعاملات شفاهی و نوشتاری غیر رسمی است. معانی وجهی این فعل شامل مفاهیمی چون استنباط ممکن، الزام ممکن و پویای ممکن است (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۵).

(الف) همیشه تا الان از کشور خارج شده باشه (استنباط ممکن).

(ب) همیشه اول درس‌ها رو بخونی، بعد بری بازی (الزام ممکن).

(ج) این کتاب رو میشه در خیابون انقلاب پیدا کرد (پویای ممکن).

فعل وجهی «توانستن» در فارسی معاصر برخلاف دو فعل وجهی بایستن و شدن، صیغه‌های متعددی دارد و به تناسب فعل واژگانی همراهش می‌تواند برای شخص و شمار صرف شود. مفاهیم وجهی این فعل عبارتند از: احتمال با درجه ضعیف، کسب و صدور اجازه، تمایل، قدرت، قابلیت و امکان‌پذیر بودن رخداد (تمیم‌داری و صدری، ۱۳۹۳: ۱۵۶؛ اخلاقی، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۲۴).

(الف) می‌تواند این اقدام، نتیجه مطلوبی داشته باشد (احتمال ضعیف).

(ب) می‌توانید این کتاب را به امانت ببرید (صدور اجازه).

(ج) باران تابستانی می‌تواند محصولات کشاورزی را از بین ببرد (امکان‌پذیر بودن رخداد).

وجه فعل^۱، از دیگر ابزار بیان وجهیت است. وجه فعل، «صورت یا جنبه‌هایی از فعل است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند و نشان‌دهنده وقوع یا عدم وقوع عمل است» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۸۰). در زبان فارسی، سه وجه اصلی شامل وجوه اخباری، التزامی و امری است. وجه اخباری، آن است که وقوع یا عدم وقوع فعل را با قطعیت و یقین بیان می‌کند و اسناد در آن قابل صدق و کذب باشد (همان: ۳۸۱). وجه التزامی به رویدادهای غیر واقعی اشاره دارد. «وجه التزامی آن است که بر اموری از قبیل خواست، آرزو، میل، امید، دعا، شرط، شک و لزوم و مانند آنها دلالت کند» (همان). وجه امری در بند امری می‌آید و نقش گفتاری آن، درخواست و صورت بی‌نشان وجه‌نمایی اجبار است. «جمله‌های امری، دسته‌ای از جمله‌ها را تشکیل می‌دهند

که نوعاً جمله‌های ترغیبی نامیده می‌شوند و برای امر، نهی و درخواست و... به کار می‌روند» (لاینز، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

جهت‌گیری در وجه‌نمایی

مقصود از جهت‌گیری در وجه‌نمایی این است که مفاهیم وجهی اجبار و الزام را چه مرجعی به مخاطب تحمیل و گوشزد می‌کند و دیگر اینکه مفاهیم وجهی در جمله به چه شکلی (صریح یا غیر صریح) نمودار می‌شود. از این‌رو این مبحث شامل دو مقوله است:

۱- منبع قضاوت و حکم: که معمولاً تعاملی است؛ یعنی یا گوینده یا شنونده است که با اشخاص شرکت‌کننده در تعامل هستند، اما دیگر مراجع اقتدار مانند گروه‌ها، اشخاص غیرمشارک در تعامل، قوانین، عرف، واقعیات و شرایط موجود نیز می‌توانند منبع قضاوت و حکم باشند (صدری، ۱۳۹۴: ۱۶۱؛ مرادی، ۱۳۹۱: ۹۲). مفاهیم وجهی لزوم و اجبار در نظریه پالمر با عنوان وجهیت تکلیفی مطرح شده است. «موجهات تکلیفی بیانگر مفاهیم الزام، اجازه و فرمان هستند» (Palmer, 2001: 25). در موجهات تکلیفی، یک عامل بیرونی مانند هنجارها، قوانین موجود و یا ملاک‌های اخلاقی و اصلی گوینده، انجام کنش را به شخص مخاطب اجازه می‌دهد یا تحمیل می‌کند (پورتتر، ۲۰۰۸: ۸؛ به نقل از: برآورده و گوهری، ۱۴۰۱: ۸۹).

۲- صریح یا غیر صریح واقع شدن قضاوت: مفهوم وجهی در قالب یک بند و از طریق استعاره دستوری، افزوده‌های وجه‌نما و افعال وجهی بیان می‌شود (مرادی، ۱۳۹۱: ۹۲). مانند «آنها احتمالاً به مسافرت رفته‌اند».

روش پژوهش

برای تحلیل وجهیت و دستیابی به نگرش گوینده در متن، کلیله و دمنه نصرالله منشی را به عنوان پیکره پژوهش برگزیده‌ایم. از این متن، پانصد بند از بخش‌های مربوط به سه مقدمه این کتاب (دیباچه مترجم، مقدمه ابن‌مقفع و مقدمه برزویه طبیب) را از منظر وجه‌نمایی بررسی کرده‌ایم. تجزیه و تحلیل وجهیت در این متن، بیشتر بر مبنای نظریه هلیدی و در چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند صورت گرفته است؛ هرچند در خلال این نظریه، از دیگر نظریه‌های وجهیت نظیر دیدگاه پالمر نیز بهره گرفته‌ایم. در تجزیه جمله‌ها، چند مؤلفه را مدنظر داشته‌ایم که شامل وجه بند، نقش گفتاری،

مفاهیم وجهی، جهت‌گیری یا منبع قضاوت و حکم و شگردهای بیان غیر مستقیم اجبار و الزام است. هرچند در نظریه هلیدی تنها به چهار نقش گفتاری خبردهی، پرسش‌گری، پیشنهاد و درخواست اشاره شده است، با توجه به اینکه هر کدام از این چهار نقش اصلی غیر از معنای زبانی و مرکزی خود می‌توانند برای بازنمایی معانی و نقش‌های ثانویه دیگر نیز به کار روند، در ذیل به مؤلفه نقش گفتاری بند، به معنای ثانویه احتمالی آن نقش گفتاری نیز با توجه به سیاق و بافت متن نیز اشاره کرده‌ایم. این معانی ثانویه در واقع همان مبحث معانی ثانویه جمله‌ها در علم معانی است که ناظر به منظورشناسی جمله-هایی است که در یک بافت معین، گوینده بر زبان می‌آورد.

پس از تجزیه پانصد جمله از متن دیباچه‌ها، ابتدا به آمارگیری مؤلفه‌های بررسی‌شده و تحلیل کمی آنها پرداخته‌ایم. از آنجا که تحلیل کمی و بحث آماری برای نتیجه‌گیری و دستیابی به یافته‌های تحقیق بسنده نمی‌کند، پس از توصیف آماری داده‌ها از طریق نمودارها، در بخشی دیگر به تحلیل کیفی متن بر اساس داده‌های آماری و تبیین وجهیت و دیدگاه نویسندگان و ایدئولوژی حاکم بر متن پرداخته‌ایم. با توجه به اینکه تجزیه پانصد بند (جمله) بر اساس هفت مؤلفه یادشده در این جستار نمی‌گنجید، ابتدا این پانصد جمله را در جدولی به صورت کامل تجزیه و توصیف کرده‌ایم و برای نشان دادن شیوه تقطیع بندها و نحوه تحلیل وجهی آنها، ده بند را به عنوان نمونه آورده‌ایم.

بحث و بررسی

جدول ۱- جدول وجه‌نمایی

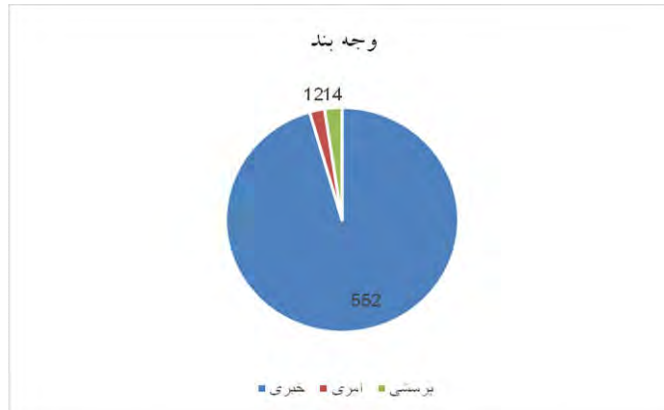
ردیف	بند	نهاد	وجه	نقش گفتاری	مفهو م وجهی	ابزار بیان مفاهیم وجهی	منبع قضاوت و حکم	شگردهای بیان غیر مستقیم
۱	سپاس و ستایش مر خدای را جل جلاله	سپاس	سپاس	خبردهی- ستایش	سپاس	وجه فعل: اخباری	منابع دیگر (شرع)	-

۷	زینهار تا در ساختن توشه آخرت تقصیر نکنی.	(تو)	امری	درخواست/ هشدار	آبر	وجه فعل امری/ افزوده وجهی زینهار	گوینده	—
۸	اندازه خیرات و مثنویات کی توان شناخت؟	نهاد: غیر شخصی	پرسشی	پرسش‌گری / استفهام انکاری/ ترغیب	احتمال/ قطعییت	وجه فعل اخباری/ فعل وجهی «توانستن»/ استعاره	گوینده	استعاره دستوری: جمله پرسشی به جای جمله
۹	اگر مدت مقام دراز شود...	مدت مقام	خبری	خبردهی	احتمال	وجه فعل الترامی/ افزوده وجهی: اگر	گوینده	—
۱۰	آمرزش براطلاق مستحکم گردد.	پیش‌شخصی نهاد:	خبری	خبردهی	قطعییت	وجه فعل الترامی/ افزوده وجهی: براطلاق	منابع دیگر (روایت، قرآن)	—

تحلیل و توصیف کمی داده‌ها

در این بخش به توصیف فراوانی و آمارگیری مؤلفه‌هایی می‌پردازیم که بر اساس جدول بالا، کیفیت وجهیت بندها را در آن تجزیه و تقطیع نموده‌ایم. در این آمارگیری، همه مؤلفه‌ها در پانصد بند مورد بررسی مربوط به وجهیت بند، شمارش شده‌اند و نمودار دایره‌ای آنها ترسیم شده است.

۱- وضعیت فراوانی وجه بند



شکل ۱- نمودار دایره‌ای فراوانی وجه بند

با توجه به این نمودار می‌بینیم که از میان وجوه بند، وجه خبری بند، فراوانی بیشتری داشته، اختلاف زیادی با دو وجه دیگر (پرسشی و امری) دارد که با توجه به ژانر تعلیمی کتاب و ماهیت خطابی دیباچه‌ها، نشان‌دار است.

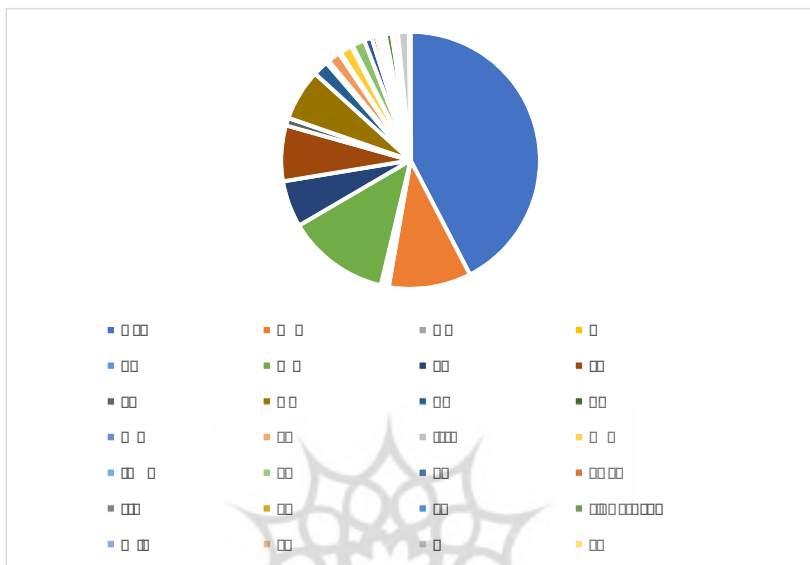
۲- وضعیت فراوانی نقش گفتاری



شکل ۲- نمودار دایره‌ای فراوانی نقش گفتاری

وضعیت فراوانی نقش گفتاری بندها به شرح ذیل است: ۸۸،۹ درصد نقش گفتاری خبردهی، ۲،۳ درصد نقش گفتاری پرسشگری و ۸،۸ درصد نقش گفتاری امر بوده‌اند.

الف) وضعیت فراوانی معانی ثانویه نقش خبردهی



شکل ۳- نمودار دایره‌ای فراوانی خبردهی

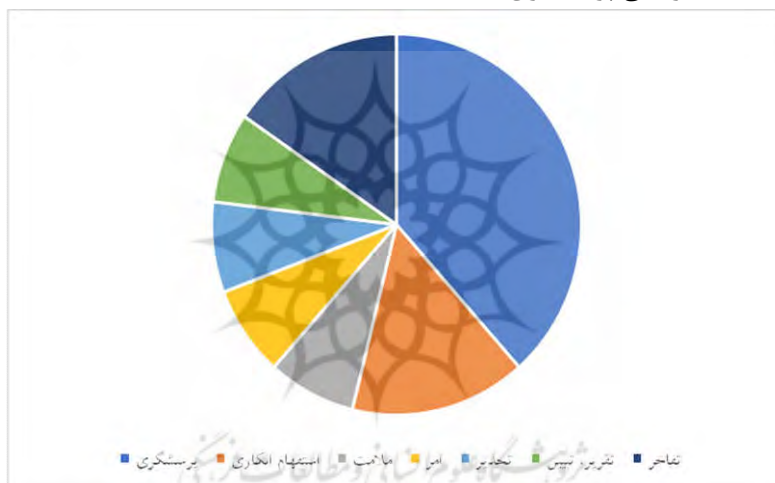
وضعیت فراوانی معانی ثانویه خبر در جامعه آماری مورد بررسی، به شرح ذیل است:
 خبردهی ۴۲.۴۱٪، ستایش ۱۰.۳۱٪، تبیین ۰.۳۹٪، دعا ۰.۳۹٪، تأیید ۰.۱۹٪، ترغیب ۱۲.۸۴٪، تحذیر ۵.۸۴٪، هشدار ۷.۰۰٪، توصیه ۰.۹۷٪، تحسین ۶.۴۲٪، تأکید ۱.۹۵٪، تعظیم ۰.۱۹٪، تعجب ۰.۱۹٪، تفاخر ۱.۵۶٪، پیشنهاد ۰.۱۹٪، نکوهش ۱.۵۶٪، میل/تمنا، ۰.۱۹٪، تحقیر ۱.۵۶٪، تحسّر ۰.۹۷٪، اظهار عجز ۰.۵۸٪، انتقاد ۰.۳۹٪، آرزو ۰.۳۹٪، تذکار ۰.۳۹٪، امکان‌پذیر بودن رخداد ۰.۷۸٪، قابلیت ۰.۱۹٪، الزام ۰.۵۸٪، امر ۱.۳۶٪، اجبار ۰.۱۹٪ بوده‌اند.

همان‌گونه که در روش پژوهش توضیح دادیم، پرداختن به معانی ثانویه نقش‌های گفتاری خبردهی، پرسش‌گری، پیشنهاد و درخواست (امری) به صورت مستقیم در نظریه زبان‌شناسانی چون هلیدی و پالمر نیامده است؛ اما به صورت ضمنی، هلیدی در توضیح نقش‌های گفتاری به این مسئله اشاره کرده است که هر کدام از نقش‌های گفتاری می‌تواند در معنا و نقش دیگری جز آنچه متعارف آن نقش است، به کار رود. «هر یک از وجوه بند بسته به مقتضیات بافتی و گفتمانی مانند رعایت ادب و تأثیرگذاری می‌تواند نقش‌های

گفتاری دیگری را به جز آنچه به آن اختصاص یافته است، نیز غیر مستقیم بازنمایی کند. از سوی دیگر، هر نقش گفتاری اصلی یا فرعی نیز می‌تواند از طریق چند وجه بیان شود (Eggins, 2004: 144-48؛ به نقل از تمیم‌داری و صدری، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

در بیان معانی ثانویه نقش گفتاری از مبحث معانی ثانویه جمله‌های خبری، پرسشی، امری و تعجبی در علم معانی نیز بهره گرفته‌ایم. درباره معانی ثانویه نقش‌های گفتاری پرسشی و امری نیز که فراوانی و آمارگیری آنها در بخش‌های پسین آمده، همین روش مدنظر بوده است.

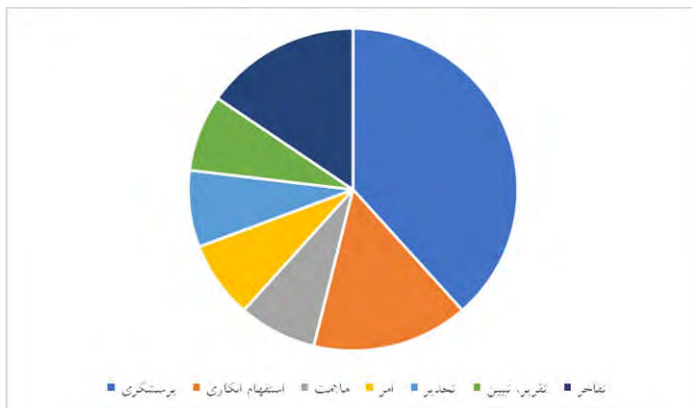
ب) وضعیت فراوانی پرسشگری



شکل ۴- نمودار دایره‌ای فراوانی پرسشگری

در جملات مورد بررسی، فراوانی معانی ثانویه پرسش، شامل پرسش‌گری ۳۸٪، استفهام انکاری ۱۵٪، ملامت ۸٪، امر ۸٪، تحدیر ۸٪، تقریر، تبیین ۸٪ و تفاخر ۱۵٪ بوده‌اند.

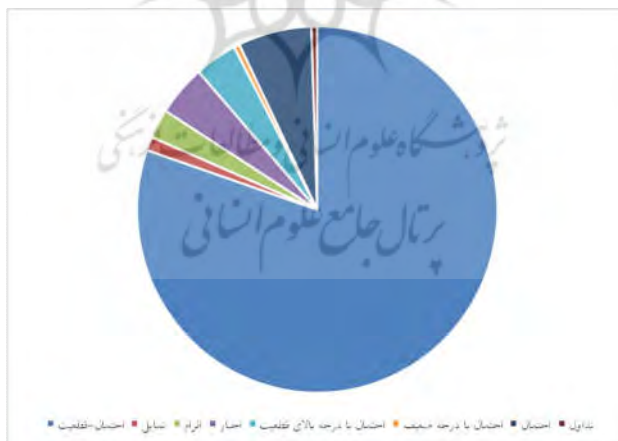
ج) وضعیت فراوانی امر



شکل ۵- نمودار دایره‌ای فراوانی امر

فراوانی معانی ثانویه جملات امری در جامعه آماری مورد بررسی، به شرح ذیل است:
 امر ۲۴٪، تحذیر ۱۸٪، هشدار ۶٪، استفهام انکاری ۲٪، درخواست ۱۴٪، ترغیب ۲۰٪، نفی ۲٪، توصیه ۸٪، تأکید ۴٪، تحسین، ۲٪ و دعا ۲٪ بوده‌اند.

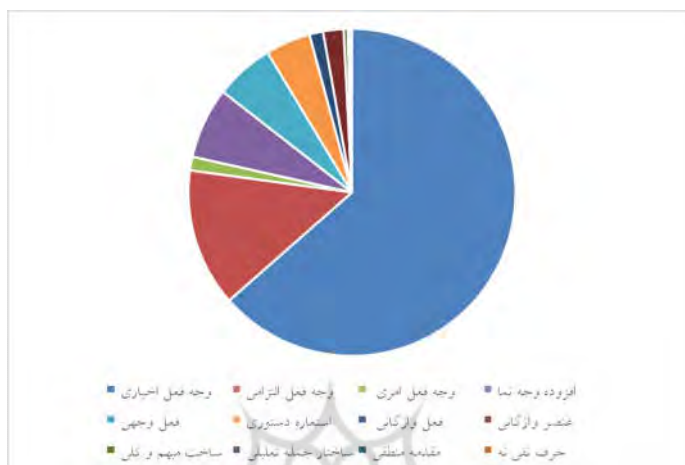
۳- وضعیت فراوانی مفهوم وجهی



شکل ۶- نمودار دایره‌ای فراوانی مفهوم وجهی

وضعیت فراوانی مفاهیم وجهی عبارت است از: احتمال - قطعیت ۸۰٪، تمایل ۱٪، الزام ۳٪، اجبار ۴٪، احتمال با درجه بالای قطعیت ۴٪، احتمال با درجه ضعیف ۱٪، احتمال ۷٪ و تداول ۱٪ بوده‌اند.

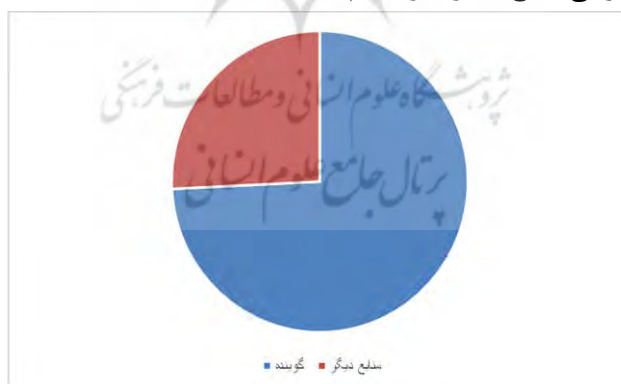
۴- وضعیت فراوانی ابزار بیان مفاهیم وجهی



شکل ۷- نمودار دایره‌ای فراوانی ابزار بیان مفاهیم وجهی

همان‌گونه که در نمودار بالا دیده می‌شود، از میان ابزار وجهی، وجه فعل اخباری، حرف نفی «نه»، افزوده وجه‌نما و فعل وجهی به ترتیب بیشترین بسامد را دارند.

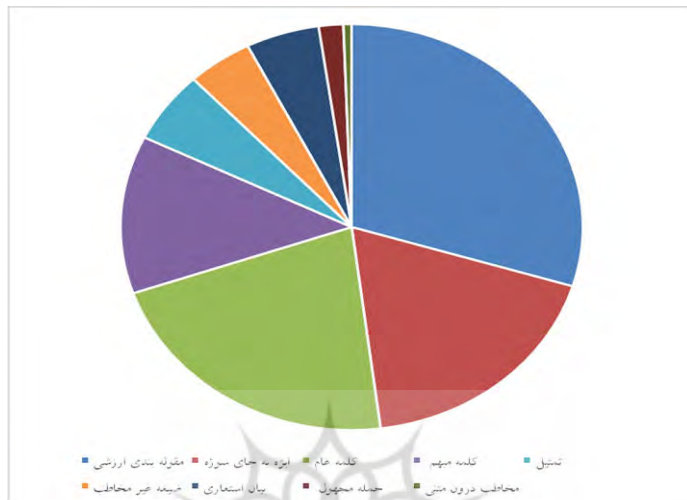
۵- وضعیت فراوانی منبع قضاوت و حکم



شکل ۸- نمودار دایره‌ای فراوانی منبع قضاوت و حکم

منبع قضاوت و حکم در جملات مورد بررسی شامل گوینده، ۷۴ درصد و منابع دیگر، ۲۶ درصد بوده‌اند که این نیز با ژانر تعلیمی متن و ارتباط بینافردی نویسنده و مخاطب، پیوند مستقیمی دارد.

۶- وضعیت فراوانی شگردهای بیان غیر مستقیم اجبار



شکل ۹- نمودار دایره‌ای فراوانی شگردهای بیان غیر مستقیم اجبار

مقوله‌بندی ارزشی ۳۰٪، ابژه به جای سوژه ۱۸٪، کلمه عام ۲۲٪، کلمه مبهم ۱۳٪، تمثیل ۶٪، صیغه غیر مخاطب ۵٪، بیان استعاری ۵٪، جمله مجهول ۲٪، مخاطب درون‌متنی ۱٪ بوده‌اند.

تحلیل کیفی داده‌های پژوهش

هدف این پژوهش، تبیین رابطه میان وجهیت و دیدگاه و نگرش نویسنده در دیباچه‌های کلیله و دمنه بود. اینکه چگونه ایدئولوژی حاکم بر متن دیباچه‌ها و دیدگاه نویسنده از طریق نظام وجهیت قابل‌بازیابی و بازنمایی است. از این‌رو در اینجا ضرورت دارد که بر اساس داده‌هایی که از رهگذر تجزیه و تحلیل پانصد جمله و از طریق آمارگیری مؤلفه‌های وجهیت در پیکره پژوهش و توصیف کتی آنها به دست آمد، به تحلیل متن دیباچه‌ها بر مبنای این داده‌های کمی بپردازیم تا به سبک‌شناسی جهان تعلیمی دیباچه‌ها و دیدگاه نویسنده دست یابیم.

۱- از نظر نوع ادبی، کلیله و دمنه در زمره متون تعلیمی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه ماهیت این نوع متون، جنبه امر، نهی و آموزش دارد، به نظر می‌رسد که نقش

گفتاری زبان نیز در حالت متعارف از نوع خواستن و درخواست و در قالب جمله‌های امر و نهی و درصد بالای وجه‌نمایی اجبار باشد. اما وقتی دیباچه‌های کلیله و دمنه را می‌خوانیم، غیر از گفت‌وگوی شخصیت‌ها در قالب حکایت‌ها، چندان با امر و اجبار و کن و مکن مواجه نمی‌شویم. فراوانی وجه بند خبری با ۹۵.۵ درصد و وجه امری با ۲ درصد حکایت از این واقعیت دارد. این داده‌ها به ما نشان می‌دهد که نویسندگان در بیان آموزه‌ها و تعالیم خود به جای امر، بیشتر از جمله‌های خبری و نقش گفتاری خبردهی استفاده کرده است.

دلیل این گزینش را می‌توان در دو موضوع جست‌وجو کرد: یکی ماهیت ادب تعلیمی که در کنار اقناع و تعلیم با امر زیبا هم سروکار دارد و به تعبیری، ادب تعلیمی را می‌توان تلفیق دو امر آرمانی و زیبا دانست که تنها به تعلیم صرف نمی‌پردازد، بلکه برای ایجاد تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، نویسنده از شگردهای غیر مستقیم‌گویی گفتار بهره می‌گیرد؛ زیرا امر و نهی مستقیم به دلیل سرشت آزادی‌طلب انسان نه تنها تأثیری نمی‌گذارد، که مخاطب را ملول نیز می‌کند. ماهیت دیگر جمله‌ها، خبری و کنش اخبار است که جنبه اظهار و تبیین‌گری دارد. این نوع جمله‌ها بیانگر قطعیت و عدم تردید هستند و یکی از عوامل اقتداربخشی به کلام محسوب می‌شوند. بنابراین از نظر بلاغی و گفتمانی نسبت به جمله‌های امری، بیشتر مؤثر واقع می‌شوند.

۲- هرچند این سه دیباچه از نظر ساختاری با بخش اصلی کتاب تفاوت دارد، از نظر محتوایی و به صورت غیر مستقیم متناسب با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مطرح در کتاب است. تفاوت ساختاری این مقدمه‌ها با متن اصلی کلیله و دمنه که متشکل از حکایت‌هاست، در ماهیت خطابه‌ای آنهاست. هر سه دیباچه از نظر بلاغت و منطلق زبانی در ژانر خطابه قرار می‌گیرند. در خطابه اغلب گوینده در مقامی برتر از مخاطب و شنونده قرار دارد و آنچه بر زبان می‌راند، از نظر خود او اثبات‌شده و دارای قطعیت است و مخاطب در جایگاهی پایین‌تر قرار می‌گیرد که در برابر اقتدار کلام گوینده، چندان از نقش‌های گفتاری پرسش‌گری و امری استفاده نمی‌کند. درصد پایین نقش گفتاری پرسش‌گری (۲.۳ درصد) و امری (۸.۸ درصد) نسبت به خبردهی (۸۸.۹ درصد)، این اقتدار زبانی و موقعیتی گوینده را نشان می‌دهد. در هیچ‌یک از این سه مقدمه با تزلزل، سستی و انعطاف زبانی گوینده مواجه نمی‌شویم. این ویژگی‌ها اغلب در وجوه التزامی،

پرسشگری و انقطاع در کلام بازنمایی می‌شود که در این مقدمه‌ها، درصد بسیار پایینی را شامل شده‌اند. بهره‌گیری زیاد از کنش جمله خبری به اصطلاح زبان‌شناسان شناختی، نوعی نیرو و پویایی در متن ایجاد می‌کند که با عنوان طرح‌واره نیرو- پویایی به آن اشاره شده است (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۱۲۰). اقتداربخشی این نوع جمله‌ها در زبان به همین ویژگی شناختی برمی‌گردد؛ به طوری که مخاطب وقتی با نقش گفتاری خبر و اخبار مواجه می‌شود که در حکم اطلاعات نو یک متن قلمداد می‌شود، کمتر در مقابل آن مقاومت می‌کند. البته این اقتدار و نیرو در کلام غیر از وجه اخباری سخن و نقش گفتاری خبردهی، مرهون عوامل دیگری است که در بخش ابزار وجه‌نمایی به آنها خواهیم پرداخت.

۳- درصد بالای معنای خبردهی که نشان از انتقال اطلاعات گوینده به مخاطب دارد، اقتدار و بلاغت جمله‌های خبری و کنش اخباری را در روابط بینافردی آشکار می‌کند. در بسیاری از این جمله‌ها، گوینده در پی دادن اطلاعاتی به مخاطب است که شالوده فکری او را شکل می‌دهد و برای مخاطب، اطلاع نو به شمار می‌آید و در ضمن اظهار و بیان آن، جزئی از دانش مخاطب می‌شود. برای مثال در دیباچه مترجم، نصرالله منشی، دیدگاه خود را درباره رابطه دین و سیاست از طریق گزاره‌هایی مطرح می‌کند که جزء دانش پیش‌زمینه‌ای مخاطب هستند؛ اما هدف گوینده از بیان آنها، اقتداربخشی به کلام و تأکید بر صدق سخنان و اندیشه خود است. بنابراین از میان دو نقش گفتاری دادن و خواستن، نقش «دادن» که انتقال زبانی اطلاعات است، در این متن، جلوه بیشتری دارد. جز معنای خبردهی، معانی ثانویه‌ای چون ترغیب (۱۲.۸۴)، ستایش (۱۰.۳۱)، هشدار (۷.۰۰) و تحسین (۶.۴۲) نسبت به سایر معانی ثانویه، درصد بالاتری دارند. این چهار معنای ثانویه با نقش گفتاری خواستن در ارتباط هستند. یعنی در کنار خبردهی و بیان اندیشه گوینده، اقناع مخاطب و ترغیب او به پذیرش نظام مفهومی که توصیف می‌کند، اهمیت زیادی می‌یابد. در میان این معانی ثانویه، جبر و اجبار، درصد بسیار پایینی دارد و این نشان می‌دهد که نویسنده بیشتر از وجه معرفتی و برداشتی استفاده کرده که بیانگر دیدگاه و نگرش او نسبت به امری قطعی و مسلم در ذهن اوست.

۴- ابزار بیان مفاهیم وجهی: وجه فعل، یکی از چهار ابزار وجه‌نمایی اصلی است که

در نظریه نقش‌گرایی هلیدی به آن اشاره شده است. طبق تحلیل داده‌ها در پیکره پژوهش، بیشترین آمار استفاده از ابزار وجه‌نمایی با ۶۴ درصد، متعلق به وجه فعل اخباری است. ۱۴ درصد وجه التزامی و ۱/۳ درصد وجه امری است. واضح است که وقتی بیشترین آمار وجه بند، وجه خبری است، بیشترین آمار وجه فعل نیز اخباری خواهد بود. همان‌گونه که در بخش‌های دیگر اشاره شد، وجه اخباری، نگرش قاطع و بی‌تردید گوینده به محتوای بند بیان‌شده را می‌رساند و البته نوعی اجبار غیر مستقیم را به مخاطب القا می‌کند.

بسامد پایین وجه التزامی با ژانر متن که تعلیمی و از نوع خطابه است، کاملاً سازگاری دارد؛ زیرا گوینده خود را در مقام مرجعی می‌بیند که در آنچه می‌گوید، تردیدی ندارد و بیش از آنکه در سخن او، نقش گفتاری «خواستن» و پرسش‌گری جلوه داشته باشد، نقش کلامی «دادن اطلاعات» نمود دارد.

فعل وجهی، یکی دیگر از ابزار وجه‌نمایی است که ۶ درصد کل آمار را شامل می‌شود. فعل «بایستن» از سایرین، وجهی‌تر است. افزوده وجه‌نما، ابزار وجه‌نمایی دیگری است که ۷ درصد کل آمار را شامل می‌شود. در جمله «که بهیچ تأویل حلاوت عبادت را آن اثر نتواند بود که مهابت شمشیر را» (منشی، ۱۳۸۱: ۴)، «بهیچ تأویل» افزوده‌ای وجه‌نما با مفهوم «هرگز» است که از افزوده‌های مفید میزان تداول است. یا در جمله «زیرا که عقل براطلاق، کلید خیرات و پایبند سعادات است» (همان: ۲۸). «براطلاق» افزوده وجه‌نما مفید معنای قطعیت است. همچنین در جمله «تا مگر در اثنای سخن از تو کلمه‌ای زاید که به اظهار مقصود ماند، البته اتفاق نیفتاد» (همان: ۳۱)، «مگر» مفید معنای احتمال و «البته» مفید معنای قطعیت است.

۵- منبع قضاوت و حکم: در این متن، شاهد دو منبع قضاوت بودیم: یکی گوینده و دوم، منابع دیگر که شامل مراجعی چون شرع، اخلاق، سخن بزرگان و حکما و... می‌شد. طبق تحلیل داده‌ها در ۷۴ درصد موارد، منبع قضاوت، گوینده است و ۲۶ درصد موارد، منابع دیگر (آیات، روایات، قرآن، شرع و...) را شامل می‌شود. می‌بینیم که در بیشتر موارد، منبع قضاوت، گوینده بوده است.

نصرت‌الله منشی از منبع گوینده مستقیم برای تحقق هدف نهایی متن که بازتولید

ارزش و ایدئولوژی طبقه حاکم است، استفاده نموده است. این خصیصه سبک‌شناسانه دقیقاً منطبق با ژانر تعلیمی و نوع خطابی متن است. به‌ویژه در مقدمه‌ها، گوینده به‌وضوح جایگاه خویش را برتر از مخاطب می‌داند و تلاشی برای انتقال معنا در قالب روایت و داستان یا استفاده از تمثیل، نماد، راویان درون‌متنی و... نمی‌کند و مستقیماً خواننده را مورد خطاب قرار می‌دهد و با توجه به بافت موقعیت، یقین دارد که خواننده در جایگاه فرودست و پذیرنده بی‌قید و شرط او قرار دارد. در ۲۶ درصد دیگر هم که سایر منابع به کار رفته، هم‌سویی با کلیت متن مشهود است. منابعی که در این قسمت به کار رفته، کاملاً در راستای اهداف متن است. ارجاع به آیات، روایات، قرآن، شرع، اشخاص صاحب قدرت در دین و سیاست و... همگی برای اعتباربخشی به کلام و ایجاد گواه‌نمایی به منظور اقناع مخاطب به کار رفته‌اند.

۶- شگردهای بیان غیر مستقیم اجبار: تحلیل داده‌ها به ما نشان می‌دهد که شگرد «مقوله‌بندی ارزشی» با سهم ۳۰ درصد کل آمار، بیشترین کاربرد را در این قسمت داشته است. نویسنده، معنای مورد نظر خویش را با استفاده از ارزش‌گذاری اخلاقی، اجتماعی و البته بیشتر ارزش‌گذاری دینی و سیاسی اعتبار می‌بخشد و اینگونه نگرش خود را در ذهن مخاطب، صحیح و تردیدناپذیر نشان می‌دهد. شگرد بعدی، استفاده از کلمه عام با ۲۲ درصد و کلمه مبهم با ۱۳ درصد کل آمار است و روی‌هم‌رفته ۳۵ درصد کل داده‌ها را تشکیل می‌دهد. برای خطاب مستقیم و کاستن از اجبار در ذهن مخاطب از کلمات مبهم و عام برای اشاره به عنصر تحت اجبار استفاده کرده است.

تمرکز بر ابژه به جای سوژه، با ۱۸ درصد کل آمار، شگرد بعدی است که بیشترین کاربرد را در متن دارد. چرخش تمرکز از فاعل شناسا (سوژه) به متعلق شناخت (ابژه) برای پرهیز از اشاره مستقیم به باید‌ها و نبایدهاست.

استفاده از تمثیل، صیغه غایب و غیر خطابی، بیان استعاری، جمله مجهول و مخاطب درون‌متنی، از دیگر شیوه‌هایی است که ۱۹ درصد باقی‌مانده از کل آمار را شامل می‌شود. تمثیل در سطح جمله و متن از شیوه‌های غیر مستقیم‌گویی کلام است. با توجه به اینکه اکثر جمله‌های مورد بررسی از مقدمه‌ها گزینش شده‌اند، می‌بینیم که آمار این نوع شگرد، پایین است.

۷- در مهم‌ترین و نخستین دیباچه کتاب (دیباچه مترجم)، حمد خداوند با صفت‌ها و کنش‌هایی روایت شده که با روایت کلی کتاب در پیوند است؛ صفاتی چون آثار قدرت خداوند، انوار حکمت او، بخشاینده، محتاج نبودن به وزیر و مشیر و معونت، تمییز آدمیان به واسطه نطق و عقل، ارشاد رسولان برای رهانیدن خلق از ظلمت جهل و گمراهی و... نویسنده، تمامی این صفات و اسناد آنها به خداوند را در قالب بندهایی بیان کرده است که دارای وجه‌نمایی احتمال - قطعیت هستند.

گزینش این نوع وجهیت با ذهنیت گوینده و ماهیت موضوع، همسویی کامل دارد؛ زیرا این بخش از کتاب که به اصول اعتقادی و توحیدی گوینده مربوط است، با وجهیتی بیان شده است که خبر از قطعیت این نگرش در ذهن گوینده و نیز مخاطب می‌دهد و اعتقاد محکم او را به توحید خداوند باز می‌نماید. از سوی دیگر وجه‌نمایی احتمال - قطعیت در این بخش با گفتمان قدرت - که در کل متن به شکل‌های مختلفی گسترش یافته است - تناسب دارد. جهت‌گیری وجه‌نمایی که شامل دو مقوله منبع قضاوت و حکم و دیگری صریح یا غیر صریح بیان شدن قضاوت است، در تحمیدی کلیله و دمنه بدین گونه سازمان یافته است که منبع احکام و گزاره‌هایی که در این بخش بیان شده‌اند، از سه آبشخور تغذیه می‌کنند و همین موضوع موجب گواه‌نمایی بیشتر گزاره‌ها و احکام شده است: گوینده، آیات و روایات، عقل. آنچه را که نویسنده در بیان اعتقاد توحیدی خود و حمد خداوند آورده است، با پشتیبانی سه منبع یادشده بیان کرده است. این منابع جز اینکه ذیل مقوله جهت‌گیری منبع قضاوت قرار می‌گیرند، می‌توانند در زمره ابزار وجه‌نمایی نیز محسوب شوند. هرچند هلیدی در بحث از ابزار وجه‌نمایی، تنها از چند ابزار وجهی و وجه فعل، افزوده‌های وجهی، استعاره دستوری و افعال وجهی سخن گفته است، با مطالعه متن به سازوکارهای دیگری نیز برمی‌خوریم که وجهیت را در نظام زبانی متن، کدگذاری و تعریف می‌کنند.

یکی از این ابزار وجهی که هلیدی به آن اشاره نکرده، ابزار وجهی واژگانی است. برای نمونه در بند زیر: «به معجزات ظاهر و دلایل واضح مخصوص گردانید و از جهت الزام حجت و اقامت بینت به رفق و مدارا دعوت فرمود و به اظهار آیات مثال داد تا معاندت و تمرد کفار ظاهر گشت و خردمندان دنیا را معلوم گشت که به دلالات عقلی و معجزات حسی التفات نمی‌نمایند، آنگاه آیات جهاد بیامد و فرضیت مجاهدت هم از وجه

شرع و هم از طریق خرد ثابت شد و تأیید آسمانی و ثبات عزم صاحب شریعت بدان پیوست...» (منشی، ۱۳۸۱: ۳)، نویسنده بر اعتبار دیدگاه خود از طریق واژگانی تأکید می‌کند که همان نقش ابزار وجهی دیگر را دارد و گاه به مراتب گواه‌نمایی آن بیشتر است. در این بند، استفاده از واژگانی چون «فرضیت مجاهدت، هم از وجه شرع و هم از وجه خرد»، «ثابت شد»، «تأیید آسمانی و ثبات عزم شریعت» و... به اقتدار کلام گوینده و قطعیت این گزاره‌ها در ذهن او بیشتر افزوده است.

در جای دیگری از این دیباجه با صورتهای دیگری از وجه‌نمایی مواجه می‌شویم. برای نمونه در بند زیر: «و چون می‌بایست که این ملت مخلص ماند و ملک این امت به همه آفاق و انفس برسد و صدق این حدیث که یکی از معجزات باقی است، جهانیان را معلوم گردد... ای مصطفی را صلی الله علیه و رضى عَنْهُمْ در امر و نهی و حل و عقد دست برگشاد و فرمان مطلق ارزانی داشت و مطاوعت ایشان را به طاعت خود و رسول ملحق گردانید، حیث قال عزوجل: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم که تنفیذ شرایع دین و اظهار شرایع حق بی‌سیاست ملوک دیندار بر روی زمین مخلص نماند و مدت آن مقرون به انتهای عمر عالم صورت نهند و اشارت حضرت نبوت بدین وارد است که: المُلک و الدّین توأمان و به حقیقت بایست شناخت که ملوک اسلام، سایه آفریدگارند که روی زمین به نور عدل ایشان جمال گیرد و به هیبت و شکوه ایشان، آبادانی جهان و تألف اهواء متعلق باشد که به هیچ تأویل حلاوت عبادت را آن اثر نتواند بود که مهابت شمشیر را. و اگر این مصلحت بر این سیاق رعایت نیافتی، نظام کارها گسسته گشتی و اختلاف کلمه میان امت پیدا آمدی و چنان‌که در طباع مرکب است، هر کسی در مهمات اسلام مداخلت کردی و عمر بن خطاب می‌گوید: ما یزعُ السُّلطانُ أَکْثَرَ مِمَّا یزعُ القرآنُ...» (همان: ۴).

در این بند با نمونه‌های مختلفی از وجه‌نمایی روبه‌رو هستیم. منشی در این بند با استفاده از وجه‌نمایی احتمال - قطعیت و اجبار (البته با شگردهای غیر صریح) دیدگاه‌های خود را در باب ارتباط متقابل دو قدرت سیاسی و دینی بیان کرده است. ابتدا با توصیف قدرت دینی که منبع و منشأ آن الهی و آسمانی است، بحث را آغاز کرده است. سپس به مفهوم‌سازی و بازشناسی و اعتبارسنجی قدرت سیاسی یا انسانی که

مشروعیت خود را از قدرت شرع می‌گیرد، پرداخته است. بنابراین این ساخت آغازگری در متن، خود شیوه‌ای برای اثبات یا نقد گفتمانی است که در پی می‌آید. این شیوه، یکی از بارزترین ابزار اقتداربخشی کلام، هم در نقش‌های گفتاری خبر و هم امر و درخواست است و می‌توان آن را نوعی استعارهٔ دستوری نیز دانست که برخلاف نظر هلیدی، نه تنها در سطح جمله که در سطح کلام اتفاق می‌افتد؛ بدین صورت که پیش از اینکه دیدگاه یا جهان‌بینی خود را در متن مطرح نماید، از پیش‌متن یا پیش‌حکمی استفاده می‌کند که فحوا و محتوای آن مورد پذیرش جامعهٔ مخاطبان است و پس از آن، حکم یا دیدگاه خود را می‌آورد.

این موضوع که به گونه‌ای به مبحث تقدیم و تأخیر در بلاغت هم مربوط می‌شود، بار شناختی دارد و چگونگی کارکرد ذهن را در موضوعاتی چون اثبات، انکار، اعتبارسنجی، باورپذیری و حقیقت‌نمایی و جز آن نشان می‌دهد. در این بند نیز ابتدا از قدرت دینی شروع می‌کند که شارع آن، خداوند است و به پیامبر وحی شده است و در حقیقت مجری این قدرت الهی در جامعهٔ اسلامی، شخص پیامبر است. این چیزی است که هر مخاطب مسلمانی می‌پذیرد. پس از آن به تصویرشناسی گفتمان یا قدرت سیاسی پرداخته است و با استفاده از استعاره‌هایی چون: «ملوک سایه آفریدگارند، زمین به نور عدل ایشان جمال گیرد و...»، قدرت سیاسی و پادشاهی را شاخه‌ای از قدرت الهی و وابسته به آن معرفی کرده است؛ وابستگی‌ای که از نوع همراهی و تقابل نیست، بلکه از سنخ جزء و کل و شمولیت است. یعنی قدرت سیاسی، سنخی از قدرت الهی است و ولایت آن مانند قدرت دینی، ولایت تشریعی است. ابزار وجهی‌ای که این نوع وجه‌نمایی را در کلام نشان می‌دهند، عبارتند از: فعل وجهی بایستن، استعارهٔ دستوری، وجه فعل اخباری، افزوده‌های وجهی چون «به هیچ تأویل» و ساختار جمله شرطی «اگر این مصلحت...»، بینامتنیت قرآنی و روایی، استدلال عقلی، صراحت واژگانی، قصر و حصر و... نویسنده پذیرش و حقانیت حکومت خلفا را از طریق وجه‌نمایی احتمال - قطعیت و الزام صدق روایی حدیثی که در متن آمده است، مطرح کرده است.

در سطر پایین‌تر با استفاده از آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، به دو صورت از وجه‌نمایی اجبار استفاده کرده است: یکی شکل مستقیم امر که در خود آیه مشهود است و به دلیل حساسیت موضوع اطاعت از نبی و به‌ویژه ولی، این گزاره در

قالب یک بند امری مستقیم بیان شده است و در حقیقت منبع قضاوت و حکم در اینجا دیگری غیر از گوینده است که با استفاده از شگرد بینامتنی از شدت اجبار و امر کاسته است. در سطور بعدی با استفاده از مقایسه‌ای میان امر تعبدی یعنی عبادت و امری که بر قدرت و عمل انسانی متمرکز است و به واسطه خلفا و پس از آنها، پادشاهان تحقق می‌پذیرد، به ضرورت قدرت سیاسی در موازات قدرت دینی اشاره کرده است: «به هیچ تأویل حلاوت عبادت را آن اثر نتواند بود که مهابت شمشیر را». نقش گفتاری زبان در این جمله، خبری است و وجه‌نمایی آن با یک تفسیر، احتمال - قطعیت و با تفسیر دیگری که بافت از آن پشتیبانی می‌کند، اجبار است.

در تفسیر نخست، نویسنده با استفاده از ابزار وجه‌نمایی مانند افزوده وجهی «به هیچ تأویل» و ابزار واژگانی «حلاوت» و «مهابت» که آوردن آن در قالب سجع به اقتدار گزاره بیشتر افزوده است، گزاره‌ای را که در بردارنده حکمی است، برای مخاطب بیان کرده است. ساختار این گزاره نشان می‌دهد که در ذهن گوینده، هیچ تردیدی نسبت به آن وجود ندارد. استفاده از واژه «حلاوت» برای عبادت و «مهابت» برای شمشیر، گزینشی نشان‌دار است که کارکردی ایدئولوژیک و گفتمانی دارد. حلاوت، صفت یا حالتی است که برای یک امر لذت‌آور به کار می‌رود و جنبه پراگماتیک ندارد و مقوله‌ای احساسی است؛ در حالی که مهابت، ویژگی‌ای است که قدرت را بازنمایی می‌کند. در تفسیر دوم می‌توان وجه‌نمایی این جمله را اجبار در نظر گرفت؛ با این تحلیل که نویسنده از استعاره‌ای دستوری کمک گرفته است و به جای اینکه امر به اطاعت از خلفا و قدرت سیاسی را در قالب درخواستی صریح و در یک بند امری بیان کند، از طریق بند خبری، این مفهوم را صورت‌بندی کرده است. در پایان بند از دو ابزار و شگرد وجه‌نمایی برای اقتدار بخشی به کلام و هویت‌بخشی قدرت سیاسی استفاده شده است:

یکی استفاده از ساختار جمله شرطی و دیگر بینامتنیت سخن غیر که در قالب سخن عمر بن خطاب روایت شده است. هرچند ساختار جمله شرطی، وقوع امری را نشان نمی‌دهد و از یک فضای ذهنی (بهرامی خورشید، ۱۳۹۸: ۶۶-۶۷) حکایت دارد که از چیزی سخن می‌گوید که تحقق نیافته است و نخواهد یافت و در حقیقت بیش از آنکه قطعیت چیزی را نشان دهد، امکان یا شرط وقوع امری را روایت می‌کند، در اینجا چون

موضوعی که متعلق شرط قرار گرفته، امری ممتنع بوده و سنت الهی بر این قرار گرفته است، استفاده از ساختار شرطی نیز مفید معنای قطعیت است. از سوی دیگر روایتی که از زبان عمر بن خطاب بازگو می‌شود، ایدئولوژی و دیدگاه گوینده را در ساحت زبان بازنماینده است. در این روایت که باری منظورشناختی دارد، تقدیم سلطان بر قرآن و صفت تفضیلی «اکثر» که به «ما یزع السلطان» برمی‌گردد، به صورتی نامحسوس که دلیل آن سجع موجود در جمله است، گفتمان قدرت سلطانی را بر گفتمان قرآنی، برتر قرار داده است. آنچه سلطان از آن بازمی‌دارد، بیشتر از چیزی است که قرآن از آن نهی می‌کند. این همان روایت دیگری از گزاره حلاوت عبادت و مهابت شمشیر است. این روایت خود به‌مثابه یکی از ابزار وجه‌نمایی عمل کرده است که قطعیت این گزاره‌ها و حکم‌ها را پشتیبانی می‌کند و مخاطب را برای همراه شدن با گفتمان متن اقناع می‌نماید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سه دیباچه ابتدایی کلیله و دمنه را بر اساس نظام وجه و وجهیت بررسی کردیم. پرسش‌های ما در این پژوهش عبارت بودند از: مقوله وجهیت چگونه در تبیین رابطه زبان و ایدئولوژی در این کتاب نقش دارد؟ کدام یک از ابزار وجه‌نمایی، بسامد بیشتری در متن دارد؟ رابطه وجهیت و ژانر تعلیمی کتاب، چگونه از طریق زبان بازنمایی شده است؟

برای این منظور، پانصد بند از این سه دیباچه را برگزیدیم. بر اساس یافته‌های این پژوهش، وجه‌نمایی، گفتمان غالب در متن را که همان گفتمان قدرت است، به‌خوبی در ساحت زبان بازنمایی کرده است. با توجه به اینکه ژانر این متن، تعلیمی و برخوردار از بلاغت خطابه بود، وجه بند اخباری، بسامد بالایی داشت. در متون تعلیمی با توجه به ماهیت ترغیبی آن، بیشتر با نقش گفتاری «خواستن» مواجه هستیم. از این‌رو به نظر می‌رسد که بهره‌گیری گوینده از وجه امری و التزامی می‌بایست بیشتر باشد، در حالی که با تحلیل متن سه دیباچه دیدیم که راوی/ گوینده با استفاده از شگردهای غیر مستقیم‌گویی گفتار نظیر کاربرد وجه اخباری به جای امری، استعاره دستوری، ساختار جمله مرکب، مقوله‌بندی ارزشی، گزینش واژگان نشان‌دار، تأکید بر موضوع به جای تکیه بر نقش فاعل و... از شدت اجبار ناشی از بندهای امری کاسته و با این شیوه،

گواه‌نمایی سخن را بالا برده و به میزان قطعیت و اقتدار کلام در ذهن مخاطب و اقناع او افزوده است.

بیشترین ابزار بیان مفاهیم وجهی در این سه دیباچه به ترتیب از آن وجه فعل اخباری، فعل وجهی، افزوده‌های وجهی، استعاره دستوری و موارد دیگری چون ابزار وجهی واژگانی، بهره‌گیری از سخن غیر، تمثیل و... بود. این موضوع نشان می‌دهد که وجه اخباری فعل، دارای قطعیت‌پذیری و بار اقناع‌کنندگی بیشتری است. در واقع گوینده از موضعی سخن می‌گوید که در ذهن خود او، کمترین سستی و تزلزلی در آن راه ندارد و مخاطب ناچار از پذیرش آن است. او مخاطب را در جایگاه پذیرنده و اطاعت‌کننده بی‌چون و چرا قرار می‌دهد و تنها آنچه را از او خواسته می‌شود، به او اعلام می‌کند تا اطاعت نماید. درصد پایین نقش گفتاری پرسش‌گری و امری، این اقتدار زبانی و موقعیتی گوینده را نشان می‌دهد.

معانی ثانویه‌ای چون ترغیب (۱۲.۸۴)، ستایش (۱۰.۳۱)، هشدار (۷.۰۰) و تحسین (۶.۴۲) نسبت به سایر معانی ثانویه، درصد بالاتری دارد. این چهار معنای ثانویه با نقش گفتاری خواستن در ارتباط هستند. یعنی در کنار خبردهی و بیان اندیشه گوینده، اقناع مخاطب و ترغیب او به پذیرش نظام مفهومی که توصیف می‌کند، اهمیت زیادی می‌یابد. در میان این معانی ثانویه، جبر و اجبار، درصد بسیار پایینی دارد و این نشان می‌دهد که نویسنده بیشتر از وجه معرفتی استفاده کرده که بیانگر دیدگاه و نگرش او نسبت به امری قطعی و مسلم در ذهن اوست. طبق تحلیل داده‌ها در ۷۴ درصد موارد، منبع قضاوت، گوینده است و ۲۶ درصد موارد، منابع دیگر (آیات، روایات، قرآن، شرع و...) را شامل می‌شود. این آمار نشان می‌دهد که اقتدار زبانی متن در جهت اقناع‌سازی مخاطب بیش از آنکه مرهون منبع و مرجع دیگری چون شرع، اخلاق، قرآن و روایات و... باشد، برخاسته از دیدگاه‌های ایدئولوژیک خود گوینده است که البته از مراجع دیگر برای تقویت گزاره و حکمی که مطرح کرده، به نیکویی استفاده نموده است.

منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس و زهرا عباسی (۱۳۹۱) «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضا‌های ذهنی»، ادب‌پژوهی، دوره ششم، شماره ۲۰، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- احمدی، آرام و دیگران (۱۴۰۰) «بررسی مقوله وجهیت در رمان شوهر عزیز من اثر فریبا کلهر بر اساس دیدگاه فالور»، زبان‌پژوهی، دوره سیزدهم، شماره ۳۸، صص ۳۲۷-۳۵۲.
- اخلاقی، فریار (۱۳۸۶) «بایستن، شدن و توانستن، سه فعل وجهی در فارسی امروز»، مجله دستور، شماره ۳، صص ۸۲-۱۳۱.
- ایلخانی‌پور، نرگس و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۵) «واژگانی‌شدگی ابعاد معنایی وجهیت در صفات وجهی فارسی»، زبان‌پژوهی، سال هشتم، شماره ۱۹، صص ۶۵-۸۷.
- برآورده، مهرانگیز و حبیب گوهری (۱۴۰۱) «بررسی وجه و وجه‌نمایی و تشریح آن در زبان فارسی»، مطالعات نقد زبانی و ادبی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۱۵-۱۲۶.
- بهرامی خورشید، سحر (۱۳۹۸) دستور شناختی (مبانی نظری و کاربردی آن در زبان فارسی)، تهران، سمت.
- تمیم‌داری، احمد و نیره صدری (۱۳۹۳) «مطالعه سبک‌شناختی وجه‌نمایی در گلستان سعدی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۳، صص ۱۸۱-۱۴۱.
- جانسون، مارک (۱۳۹۸) بدن در ذهن، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ سوم، تهران، آگاه.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۶) تاریخ زبان فارسی، جلد دوم، تهران، نو.
- رحیمیان، جلال و محمد عموزاده (۱۳۹۲) «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت»، پژوهش‌های زبانی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۲۱-۴۰.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸) دستور مفصل امروز، تهران، سخن.
- فروزنده، مسعود و امین بنی‌طالب (۱۳۹۳) «بازتاب دیدگاه شاعر در نحو منظومه ویس و رامین»، متن-شناسی ادب فارسی، شماره ۲، صص ۱-۲۲.
- کاظمی‌پور نوایی، ندا و دیگران (۱۳۹۴) «از یقین به تردید: تحول وجه‌نمایی قهرمان رمان طوبی و معنای شب از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی»، نقد ادبی، دوره هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۳۳-۱۵۴.
- کریمی دوستان، غلامحسین و نگین ایلخانی‌پور (۱۳۹۱) «نظام وجهیت در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، دوره سوم، شماره ۱، صص ۷۷-۹۸.
- گودرزی، سیاوش و مصطفی موسوی (۱۳۹۹) «بلاغت وجهیت در شعر مدحی دربار غزنوی»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره نهم، شماره ۳، صص ۱۳۳-۱۵۱.

لاینز، جان (۱۳۹۱) درآمدی بر معناشناسی زبان، ترجمه کوروش صفوی، تهران، علمی.
مرادی، روناک (۱۳۹۱) وجه‌نمایی و وجه در کردی سورانی، رویکردی نحوی و معنایی، رساله دکتری، رشته زبان‌شناسی، استاد راهنما محمد دبیرمقدم، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشکده ادبیات.
مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹) سیر زبان‌شناسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
منشی، نصرالله (۱۳۸۱) کلیله و دمنه، چاپ بیست‌ویکم، تهران، امیرکبیر.
میرزایی، آزاده (۱۴۰۰) «رابطه قطبیت و وجهیت‌بندی در زبان فارسی»، مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۱۳-۱۳۵.

- Fowler. R (2011) Linguistics and novel. (M. Ghaffari, Trans). Tehran: Ney (In Persian).
Halliday. M. A. K and Matthiessen, Christian (2004) An Introduction To Functional Grammar, London. Arnold.
Palmer. F.R. (2001) mood and modality. Cambridge: Cambridge University Press.
----- (1986) mood and modality, Cambridge: Cambridge University Press.

